

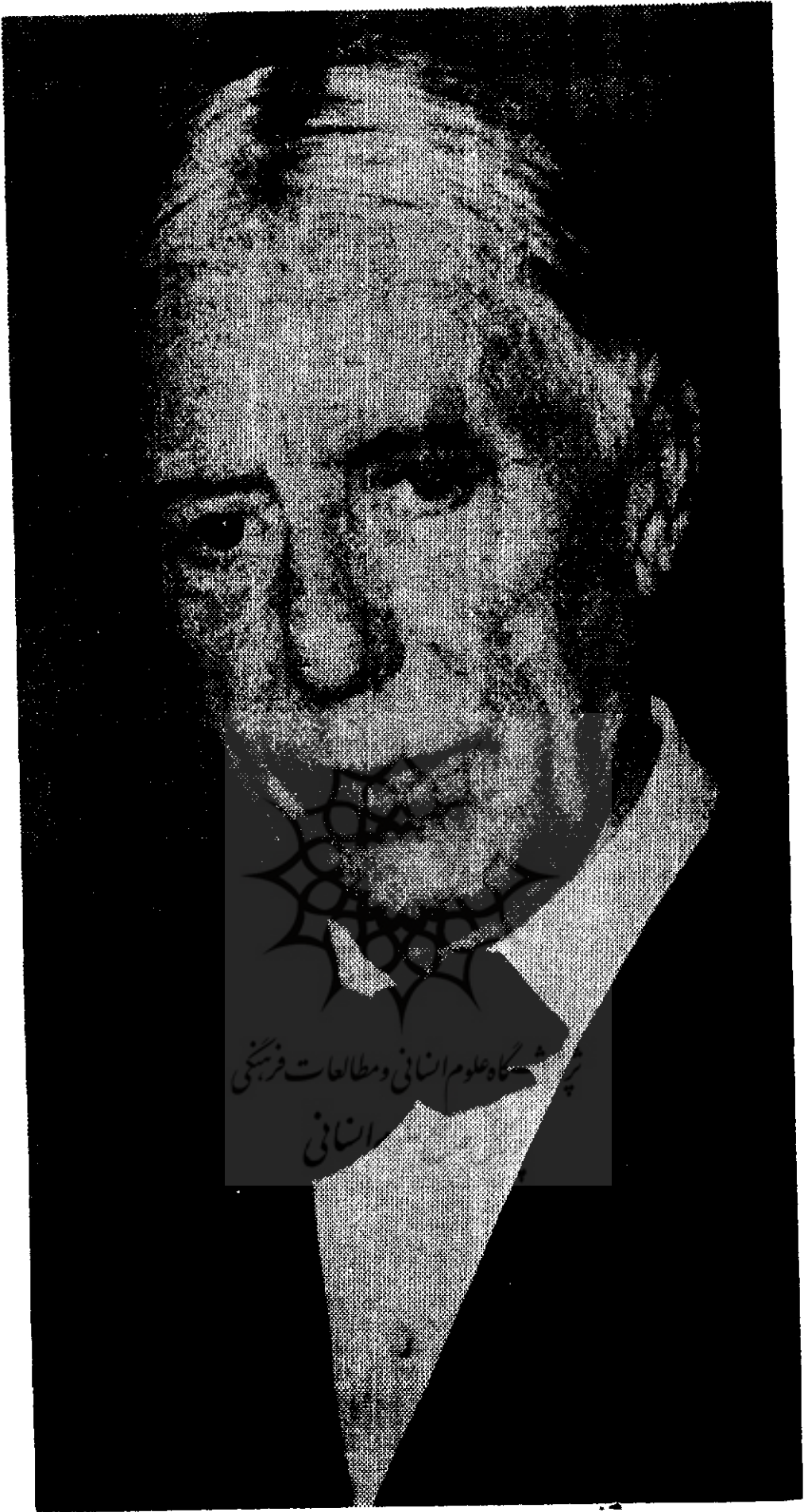
«مرگ موریس گارسون»

MAURICE GARÇON

در ماه گذشته یکی از ستارگان تابناک آسمان و کالت درپاریس افول کرد. مریس گارسون وکیل مبرز و دانشمند دادگستری و عضو آکادمی فرانسه پس از یکدوران نسبتاً طولانی عمر پر افتخار و امتیاز دیده از جهان بر بست. با وجود آنکه سن او نزدیک به هشتاد بود بسیار شاداب و سالم بنظر میرسید و همین قدرت و توانائی و چالاکی با واجازه داد که در چند هفته پیش بدنبال اتو بوس بسرعت بدود تا بآن برسد متأسفانه این گامهای تند بطرف مرگ بود. گارسون بزمین افتاد و دیگر بر نخواست .

آکادمی فرانسه ، کانون و کلای آن کشور و کلیه محافل علمی و هنری و علاقمندان به تحقیق و تتبع در مرگ این انسان بزرگ غمگین شدند. گارسن اهل پوآتیه یکی از شهرستانهای فرانسه بود - آثار و نوشتههایش چه در علوم قضائی و چه در مسائل اجتماعی و فرهنگی و هنری سرمشقی برای دانش پژوهان بود و نحله مریس گارسون تاز گیها داشت که در آثار متعدد و متنوع او بچشم میخورد .

در سال ۱۸۹۹ میلادی در شهر لیل مردی بنام امیل گارسن دردانشکده حقوق



موريس گارسون
رئیس

موريس گارسون

تدریس میکرد، وی دارای فرزندی شد که او را مریس نامید. امیل علاوه بر اشتغال به تدریس حقوق دست بکار بسیار پرارزشی زد و آن تهیه «کدجزای تفسیری» فرانسه بود که بعداً بهمت والای پسرش مریس گارسن تکمیل گردید و هم اکنون مورد استفاده و استناد دانشمندان حقوق جزاست.

مریس مانند پدرش به تحصیلات حقوق پرداخت و به پایتخت آمد اما برای سرپر جوش و خروش او تحصیلات کلاسیک حقوقی کافی نبود از اینجهت به تأثر نویسی و حتی بازیگری در صحنه تأثر علاقمند شد و مقدار زیادی از وقت جوانی خود را در این راه صرف کرد که چون این فعالیت هنری را پدر نمی‌پسندید، مورد سرزنش او قرار گرفت گارسن جوان در آن هنگام به پدر خود میگفت: «بابا تو خواهی دید که من عضو آکادمی فرانسه خواهم شد» البته پدر آن دوران درخشان عمر فرزند خود را ندید ولی همانطور که مریس گفته بود در عداد «جاودان» های فرهنگیان فرانسه درآمد.

فصاحت و بلاغت و نفوذ کلام او قریب نیم قرن زبان زد محافل علمی و هنری فرانسه بود و در نطقها و مدافعات او آثار فن تأثر و هنرنمایی بخوبی مشهود بود در میان نطق آتشین و پیر التهاب خود سکوت میکرد سکوتی طولانی سکوتی که تمام نگاههای هیئت منصفه و دادستان یا شنوندگان را دقیقاً جلب میکرد سپس یکی از مؤثرترین مدارك و دلائل خود را با تأنی و متانت بیان میکرد آنقدر این طرز رفتار مؤثر بود که هرگز از نظر هیئت منصفه دور نمیشد.

جوانی با اتهام قتل خانمی متهم بود و در تمام مراحل دادرسی انکار کرده بود اما در خانه متهم اسلحه‌ای پیدا کرده بودند که کالیبر آن با گلوله‌ای که در بدن مقتول پیدا شده بود یکسان بود دادستان گفت: «این هفت تیراز نوع خاص بسیار نادری است که دو تا از آن در تمام پاریس پیدا نمیشود» فردا صبح که نوبت دفاع

گارسن و کیل مدافع متهم بود از جای برخاست و چنین گفت: «آقای دادستان شما دیروز ادعا کردید که هفت تیر مشکوفه از نوادری است که مثل و نظیر آن پیدا نمیشود.» دادستان تأیید کرد سکوت طولانی گارسن شروع شد و سپس با تانی بسیار از زیرجبه و کالت هفت تیر و خشابی بیرون آورد که کاملاً شبیه بهمان هفت تیر و فشنگ مورد بحث بود و بداد گاه تقدیم نمود. متهم بهمین دلیل تبرئه گردید ولی بعداً معلوم نشد که آیا آن خشاب داخل آن هفت تیر میشد یا نه؟ من در نظر ندارم از محاکمات و مدافعات مشهور استاد فقید مثلها بسزنا چه سخن بسیار بدرآزا خواهد کشید فقط نمونه‌ای از کار او را بیان کرده و از طرف دیگر اگر بخواهم فقط از فعالیت‌های گارسن در امور جزائی و دادگاه جنائی صحبت کنم واقعاً او را معرفی نکرده‌ام. گارسن سیویلیست کامل - روزنامه نگار آزادیخواه - پیس نویس دراماتیک - نویسنده اصیل و یک محقق بتمام معنی بود و فصاحت و بلاغتی که خداوند بسیار سخاوتمندانه باو عطا کرده بود در راه روشن کردن حق و حقیقت و ارشاد و هدایت بکار میرفت.

نحله دفاعی گارسن معرف است و او مؤسس سبک جدیدی بود. وقتی پرونده‌ای را برای دفاع مطالعه میکرد هرگز بجمع آوری دلائل و مدارك بنفع موکل و خصوص مورد اکتفا نمیکرد بلکه از مطالعه آن پرونده قواعد کلی و دستورات عمومی حقوقی میساخت که مورد استفاده و استناد دیگران واقع میشد او عاشق تحقیق و مطالعه بود و برای يك امر كوچك بسیار زحمت میکشید - سرمایه واقعی موریس - گارسن دقت و صرف وقت زیاد بود باوجود مشاغل متعدد در هر کار با سماجت و پشت کار زیاد و خستگی ناپذیر میرفت و تفریحش شعبده بازی و تردستی بود و بازی سه گوی او که هر سه را در دست میگرفت و در چشم بهم زدن از بین میبرد معروف بود.

موريس گارسن مخترع هم بود روش نگاهدارى اسناد و مدارك ويادداشت‌ها از ابداعات او است : در كتابخانه‌اش ازسقف اتاق يك طناب آويزان بود كه بوسيله بست‌هاى چوبى كاغذها ويادداشت‌ها بآن وصل بود گارسن ميگفت : اسناد ومدارك از ته كشو ميز بدست فراموشى سپرده ميشوند ولي دراينجا زير چشم ميآيند و هر كارى كه تمام ميشد يادداشت مربوطه را برداشته و برگى جديدى بجائى آن ميگذاشت. در همان زمان كه در كتابخانه معظمش با يادداشت‌ها وقت ميگذراند در اتاق انتظار جمعيتى بيش از دو برابر تمام اعضاى آكادمى منتظر ملاقات استاد بودند گارسن زياد كار ميكرد و زياد موكل داشت اما از اين راه ثروتمند نشد چه او حرفه دفاع ووكالت را دوست ميداشت و بيشتر كارهايش مجاني بود .

ژول ژمن آكادميسين و نويسنده معروف فرانسوى مينويسد : از گارسن پرسيدم ملاك كار تو در قبول يا رد دعاوى چيست؟ ميبينم بعضى از دعاوى كه پيشرفت آن ابتدا بنظر محال ميرسد قبول ميكنى و كارهاى ديگرى كه قابل قبول و پسنديده بنظر ميرسد رد ميكنى ؟ موريس گارسن جواب ميدهد : دوست من ملاك انتخاب هم من است آرى براى تو ژول ژمن معنى و مفهوم و كالتى اين لغت مشكل است بعضى از پرونده‌ها بوى حقانيت و پيشرفت ميدهند پاره‌اى ديگر برعكس من از شامه خود استفاده کرده و آن را ملاك كار قرار ميدهم چه در امور جزائى و چه در مسائل حقوقى اما در امور جزائى ميتوانم بتوقول دهم كه اين شامه هرگز اشتباه نكرده و موفقيت من مرهون همان انتخاب است .

موريس گارسن چشم از جهان بر بست آثار و كتب متعددى از خود بجائى گذاشت كه كافى است به پاره‌اى از آنها اشاره كنم تا شايد بتوانم تا اندازه‌اى اين مرد بزرگ و وكيل مبرز ومدافع حق و حقيقت را معرفى کرده باشم :

۱- تحقيقات درباره فصاحت قضائى.

- ۲- تابلوی فصاحت قضائی.
- ۳- وکیل دادگستری و اخلاق
- ۴- عدالت در پاراناس
- ۵- محاکمات تیره و تار
- ۶- مسائل گوناگون.
- ۷- از همه چیز اندکی
- ۸- لوئی ۱۷ یا معمای خیالی.
- ۹- حکایات عجیب.
- ۱۰- شیطان.
- ۱۱- نامه به بانو عدالت (انتقاد از دستگاه دادگستری فرانسه).
- ۱۲- متن مدافعات مختلف که بیش از ۱۰ عدد از آنها چاپ شده است.
- ۱۳- سه قصد شیطانی.
- ۱۴- پیس‌های تآتر که اغلب آنها در تآترهای پاریس بازی شده است.

کتابخانه علم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

حقوق :

چنین نیست که هر چه بصورت حقوق درآید صحیح و موافق عدالت باشد چه در این صورت قوانین بیدادگران هم بنوبه خود حقوق است .

سیسرون